

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش :

امین الدین (سعیدی-سعید افغانی) و
دکتور صلاح الدین (سعیدی-سعید افغانی)

بسم الله الرحمن الرحيم

نکاح در اسلام

رهنمود مشورتی برای عقد نکاح

۱

افغانستان کشوری است اسلامی، همانطوری که در سایر موارد دارای ویژه گی های به خصوص خویش است، در امر عقد نکاح نیز دارای خصوصیات و روش های ویژه و به خصوص افغانی خود می باشد. در این شك نیست که مراسم عقد نکاح مطابق شرع اسلام و سنت پیامبر محمد صلی الله علیه السلام صورت می پذیرد، ولی در جنب آن يك مقدار مراسم و رواج های خاص، قومی و قبیله ئی، افغانی نیز پیوست با مراسم شرعی عقد نکاح، گردید است. ضرورت است در حین عقد نکاح این خصوصیت، در صورتی که به اصول شرعی در مخالفت نباشد در نظر گرفته شوند. که در صورت عدم مراعات آن موجب جنجال غیر ضروری شده و می گویند نکاح باطل و یا نکاح به صورت درست انعقاد نیافته است.

خواننده محترم !

در این جزوه کوشش نموده ایم تا تمام جوانب و جزئیات مراسم عقد نکاح را با مسایل تخنیکی این مراسم خدمت خوانندگان محترم تقدیم بداریم.

هدف این جزوه رهنمود برای افراد مسلکی و غیر مسلکی بوده، تا سهولت های رهنمودی برای شان در حین اشتراك در مراسم عقد نکاح منحیث ناکح و منکوح، منحیث شاهد و وکیل مهر و نفس و منحیث حاضران مجلس و محفل خوشی تقدیم بداریم.

آغاز محفل:

معمولاً محفل مراسم عقد ازدواج را امام، عالم، و یا عاقد نکاح چنین آغاز می نماید:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم.

بسم الله الرحمن الرحيم

«الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خير خلقه محمد وعلى آله واصحابه اجمعين اما بعد». لقد قال الله تعالى في القرآن الحكيم و الفرقان المجيد «ومن آياته أن خلق لكم من أنفسكم أزواجاً لتسكنوا إليها وجعل بينكم مودة ورحمة إن في ذلك لآيات لقوم يتفكرون - صدق الله العظيم»

واز نشانه های خداوند آنست که بیافرید برای شما از جنس شما زنان را تا آرام گیرید به سوی ایشان و پیدا کرد میان شما دوستی و مهربانی، به درستی که در اینکار نشانه ها است برای گروهی که تفکر می کنند. « و یا یکی از این آیات: «و الله جعل لكم من أنفسكم أزواجاً وجعل لكم من أزواجكم بنين وحفدة ورزقكم من الطيبات» (سوره النحل آیت ۷۲) (خداوند آفرید برای شما از جنس شما زنان را و آفریده برای شما از زنان شما پسران و نوادگان را و روزی داد شما را از پاکیزه ها «اویا» و من کل شیء خلقنا زوجین لعلکم تنكرون) (سوره الذاریات آیت ۴۹) و «از هر چیزی آفریدم دو جنس را تا شما پند پذیر شوید». و یا عاقدنکاح می توانید محفل خوشی را به این حدیث شریف آغاز نماید:

«یا معشر الشباب من استطاع منكم الباءة فليتزوج فإنه أغض للبصر وأحصن للفرج، ومن لم يستطع فعليه بالصوم فإنه له وجاء» (بخاری و مسلم).

(ای گروه جوانان! هر یکی از شما که قدرت تأمین مخارج ازدواج را دارد و می تواند هزینه آن را تهیه کند باید ازدواج کند، چرا که ازدواج بهتر است برای کنترل چشم و ناموس را بهتر محفوظ می دارد، اما کسی که نتواند نفقه ازدواج را تأمین کند باید روزه بگیرد چون روزه باعث ضعف و کم شدن شهوت و غریزه جنسی است.)

و یا این حدیث و گفتار پیامبر بزرگوار اسلام محمد صلی الله علیه وسلم «النکاح من سنتی فمن رغب عن سنتی فقد رغب عنی» (نکاح سنت و شیوه مورد پسند من است کسی که از نکاح روی گرداند از سنت و راه من روی گردانیده است)

و یا «النکاح سنتی فمن أحب فطرتی فلیستن بسنتی» (نکاح سنت من است، کسی که شیوه مرا دوست دارد از سنت من پیروی کند) (آداب نکاح کتاب دوم باب اول صفحه ۲۳۵ جلد اول کتاب احیاء علوم الدین، امام غزالی طوسی).

و یا «تناكحوا تكثروا فأني أباهي بكم يوم القيامة حتى بالسقط» (اگر ازدواج کنید تعدادتان افزایش می یابد، من در روز قیامت به شما افتخار می کنم حتی به جنینی که سقط می کنید) در صورت مساعد بودن فضای مجلس اگر در مورد حکمت و فلسفه نکاح و حکم ازدواج صحبت مؤجز و مختصر به عمل آید بهتر خواهد بود.

همانطوریکه می دانید ازدواج یکی از مؤکدترین سنت های پیامبران به شمار رفته، طوریکه خداوند متعال می فرماید: « ولقد أرسلنا رسلاً من قبلك وجعلنا لهم أزواجاً وذرية» (رعد: ۳۸) (وما پیش از تو پیامبرانی را فرستاده ایم و زنان و فرزندان بدیشان داده ایم).

اراده خداوند سبحانه و تعالی چنان نبود که جهان به حال خود دوام کند و هر وقتی که بخواهد تعداد افرادش را زیاد شود بلکه غرایز را منظم نموده و برای آنها قواعد وضع کرده تا آدمیت انسان را حفظ و فضیلت، طهارت و عفاف را در او پرورش دهد.

ازدواج برای کسانی که توانایی داشته باشند، واجب است؛ زیرا ازدواج، باعث عفت و نگهداری نفس می شود. ازدواج سنتی می باشد که خداوند متعال آنرا غرض سیر کشتی زندگی به طرف صلاح و فلاح تشریح کرده. ازدواج يك واجب اجتماعی است تا از انقراض نوع بشر جلوگیری شود. ازدواج بهترین راه برای ایجاد عشق و علاقه و محبت در بین مردان و زنان است.

ازدواج نه تنها در بین انسانها بلکه در مخلوقات، در عالم حیوان و انسان وجود دارد. ازدواج در اسلام، عقد، عهد و پیمانی است در بین زن و شوهر طوری که خداوند متعال در قرآن عظیم الشان می فرماید: «**وَأَخَذْنَا مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا**» (زنان) با عقد ازدواج که با شما می بندند (عهد و پیمان بسیار محکمی از شما می گیرند) نساء: (۲۱)

از مفهوم این آیت متبرکه می توان چنین استنباط کرد که :

ازدواج عهد و پیمانی است بسیار محکم که زن آن را از مرد می گیرد و با ایجاد چنین عهد و میثاقی در بین آنان، هر يك متعهد می شوند که وظیفه خود را نسبت به هم به خوبی انجام دهند، طوری که این مفهوم از جمله «**ميثاقاً غليظاً**» به خوبی واضح و آشکار می گردد که پروردگار ما با چه زیبایی تعبیر با ارزش رابطه زناشویی را بیان داشته است.

بناءً ازدواج در دین مقدس اسلام معامله تجاری و تملکی مانند خرید و فروش و اجاره نیست، و یا معامله ای نیست که زن را تقریباً به صورت برده در آورد و اختیارات او را سلب کرده باشد.

ازدواج در دین مقدس اسلام قرار دادی است که برای طرفین عقد زن و شوهر حقوق و وجائب تعیین می کند و رسالت هر يك از زوج و زوجه را در فامیل، خانواده و جامعه مشخص می دارد.

رابطه و علاقه در بین زن و شوهر رابطه اطمینان و آرامش است، در امر ازدواج قلبها آرام می گیرند و مهر و محبت به وجود می آید. ابن عباس (رض) می گوید: «عبادت انسان تکمیل نمی شود تا ازدواج نکند. هدف ابن عباس این است که وی ازدواج را جزء عبادت و مکمل آن قرار داده است و اگر به مفهوم حکمت و فلسفه ازدواج هم دقت به عمل آید، قلب انسان به اثر ازدواج از فشار و غلبه شهوت آرام می شود و عبادت هم جز با قلب فارغ و آرام تکمیل نخواهد شد.

ابن مسعود (رض) می گفت: اگر تنها ده روز از عمرم باقی بماند دوست دارم ازدواج کنم تا به حالت مجرد و عزب به حضور پروردگارم نرسم.

سن ازدواج:

دین مقدس اسلام سن مشخصی را برای ازدواج تعیین نکرده و در مورد قانون و ضابطه معینی را برای تفاوت سن مرد و زن به هنگام ازدواج وضع ننموده است و لی بهتر این است که انسان پس از رسیدن به سن بلوغ - چنانچه امکانات مادی کافی که از نفقه بر آمده بتواند- اقدام به ازدواج نماید، زیرا برای سلامت جسمی و روانی و رشد ایمان و اخلاق و به دست آوردن انگیزه برای کار و احساس مسؤولیت و تربیت فرزندان در مرحله جوانی و توانایی مفید خواهد بود.

همانطوری که گفتیم، ازدواج جزء راه و رسم فطری بشری و سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم است در اولویت قرار دارد و رهبانیت و پرهیز از ازدواج تا رسیدن به سنین بالاتر بدون دلیل با روش پیامبران خداوند در تضاد

است. از جانب دیگر ازدواج از جمله عبادات به شمار رفته، و هر عبادتی در جای خود موجب نزدیک شدن بیشتر به پروردگار با عظمت می گردد.

شیخ محمد علی الصابونی در کتاب خویش تحت عنوان (الزواج البکر) می نویسد که ازدواج در جوانی دارای فواید پنجگانه می باشد:

ادامه نسل بشری، مصونیت پیدا کردن در مقابل نفس و شیطان، لذت بردن از عشق و محبت همسری و تقسیم کار و مسؤولیت های زندگی میان زن و مرد و مبارزه با کشش های ناروای نفسانی.

دو خصلت به خصوص در آفرینش زن:

پروردگار با عظمت ما در خلقت و آفرینش زن به علاوه دیگر خصایل دو خصلت اساسی را قرار داده است که با داشتن این دو خصلت، زن نسبت به مرد دارای امتیاز به خصوص می باشد.

اول اینکه:

زن در قرآن عظیم الشان به منزله کشتزاری برای تکون و پیدایش نوع بشر قرار داده شده، تا نوع بشر در داخل این صدف آرام یافته و نمو کند، تا به حد ولادت برسد، پس بقای نوع بشر بستگی به وجود زن دارد و بدین ترتیب نسبت به مرد دارای امتیاز خاص خود می باشند.

دوم اینکه:

از آنجائی که باید این موجود، جنس مخالف خود یعنی مرد را مجذوب خود کند، و مرد برای این که نسل بشر باقی بماند به طرف او و ازدواج با او و تحمل مشقت های خانه و خانواده جذب شود، الله تعالی عزوجل در آفرینش، خلقت زن را لطیف قرار داد، و برای اینکه زن مشقت حمل و ولادت و رنج و زحمات منزل را تحمل کند، شعور و احساس او را لطیف و رقیق کرد، و همین خصوصیت، که یکی در جسم اوست و دیگری در روح او، تأثیری در وظایف اجتماعی محول به او دارد.

حکم ازدواج:

حکم ازدواج در اسلام از نظر فقها مشمول احکام پنجگانه می گردد: (واجب، مستحب، حرام، مکروه و مباح) می شود.

ازدواج واجب:

ازدواج زمانی بالای انسان واجب می گردد که یقین پیدا کند که اگر ازدواج ننماید مرتکب زنا می شود و از طرف دیگر توانائی تأمین هزینه ازدواج و مهریه و نفقه همسر را داشته باشد و از طریق روزه نتواند خود را از گناه مصون بنماید. زیرا حفظ و عفت نفس واجب است و هر کاری که بدون آن واجبی انجام نمی شود، خود آن کار نیز واجب می گردد.

ازدواج مستحب:

در شرایط طبیعی و عادی که انسان مسلمان نگران این نیست اگر ازدواج نکند مرتکب زنا می شود و اگر ازدواج ننماید حتی از زنی ضایع نگردد. در این صورت ازدواج بر او واجب نیست، بلکه ازدواج مستحب است.

ازدواج حرام :

ازدواج زمانی بالای انسان حرام می گردد که مطمئن باشد که در صورت ازدواج نمی تواند حقوق همسرش را مراعات نماید و توانائی تأمین مخارج زندگیش را ندارد، در این صورت ازدواج بالای او حرام است. زیرا ضرر و زیان رسانیدن به دیگران حرام است و هر کاری هم که منجر به زیان دیگران بشود نیز حرام خواهد بود.

ازدواج مکروه :

زمانیکه انسان احتمال این را بدهد که توانائی ادای حقوق مادی و معنوی همسرش را ندارد - اما یقین نداشته ازدواج در این حالت برایش مکروه است.

ازدواج مباح :

هر زمانی که موانع و منافع آن یکسان باشد، اقدام به ازدواج مباح است یعنی انجام دادن و ندادن آن از نظر شرعی با هم فرق نمی کند.

تعریف نکاح:

نکاح عبارت است از : بر قرار کردن رابطه همیشگی بین يك مرد مسلمان با يك زن مسلمان یا اهل کتاب برای بهره گرفتن از مسایل جنسی به غرض توالد و تناسل بر نحوه مشروع و به صورت دائمی و به طور رضا.

شرایط ازدواج :

شرایط ازدواج عبارت است:

از ایجاب و قبول، صیغه ازدواج و حضور دوشاهد. اگر زن و مردی پس از خواستگاری و توافق طرفین، رضایت و توافق خود را با حضور دو نفر شاهد عادل و معتبر اعلام کردند و صیغه و لفظ ایجاب و قبول را با حضور این دو شاهد جاری نمایند، عقد ازدواج در بین آنان تأمین می گردد و این دو به صورت زن و شوهر در می آیند خواه این ازدواج به حضور عالم دینی یا حاکم قضائی انجام گیرد، یا هیچ یکی از آنان نباشد، اگر ازدواج در دفتر قضاء با حضور دو نفر شاهد انجام گیرد و به ثبت برسد، از لحاظ دینی بلا اشکال است.

حکم اسلامی در تعیین شاهدان و ولی در نکاح :

در حدیث از ابوموسی (رض) روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : « لا نکاح إلا بولی » نکاح بدون ولی جواز ندارد » (احمد، ابو داوود، ابن ماجه و ترمذی).

همچنان پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم فرموده است :

« لا نکاح إلا بولی وشاهدی عدل، وما كان من نکاح غیر ذالك فهو باطل ».

(نکاح درست نیست مگر با بودن ولی ودو شاهد عدل وانچه باشد از نکاح غیر از این پس باطل است)
(ابن حبان)

از ام المؤمنین عایشه (رض) روایت شده که پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمود:

«ایما امرأة نکحت بغیر إذن ولیها فنکاحها باطل ، فنکاحها باطل ، فإن دخل بها فلها المهر بما استحل من فرجها ، فإن اشتجروا فالسلطان ولی من لا ولی له» (احمد ، ابو داوود ، ابن ماجه وترمذی) (هر زنی که نکاح کند بدون اجازه ولی خود پس نکاحش باطل است، پس نکاحش باطل است پس اگر دخول کرد بر این زن پس او راست مهر به سبب استحلال فرجش، پس اگر مشاجره کردند در این صورت سلطان ولی کسی می باشد که ولی ندارد. ویا هم قاضی.

مقدمترین ولی پدر است وبعد از او پدر کلان وسپس برادر خواه از يك پدر و مادر باشند یا تنها از پدر ، وسپس سائر عصبه. (۱)

بناءً نکاح بدون ولی که باید مرد باشد ودو شاهد عدل صحیح نیست.

جمهور علماء سلف وخلف همه وهمه ولی را در نکاح معتبر می دانند تا جائی که ابن المنذر گوید که از هیچیک از صحابه خلاف آنرا نمی داند.

تعدادی زیادی از مفسران وفقها (در مورد آیت ۲۳۲ سوره بقره) « فلا تعضلوهن أن ینکحن أزواجهن » (پس منع نکنید ایشانرا از این که نکاح کنند با شوهران خویش). می گویند اگرچه این آیت در مورد معقل بن یسار (رض) نازل شده که سوگند خورده بود که خواهر خود را به شوهر قبلی اش که او را طلاق داده بود نکاح نکند.

ولی مفهوم اساسی آیت اشاره دارد به سوی ولی زن واستدلال می آورند که اگر زن می توانست خود نکاح خود را منعقد نماید، معقل بن یسار از منع کردن او نهی می شد.

آغاز محفل:

امام وعاقده نکاح چنین شروع و آغاز می کند:

برادران، علماء ، دانشمندان، دوستان وجوانان محترم:

افتخار داریم که امروز در این محفل مقدس شرعی وخوشی در مراسم عقد زواج ونکاح این دوجوان که به رضاء ورغبت حاضر به عقد ازدواج گردیده اند ، اشتراک به هم رسانیده ایم وبه کار شرعی وامرخی خوش مطابق سنت محمدصلی الله علیه وسلم آغاز می کنیم.

شهادت :

شهادت و یا گواهی دادن در امر ازدواج مطابق شرع اسلامی باید توسط دونفر دو مرد مسلمان عاقل و بالغ که هر دوی شان متصف به عدالت و امانت باشند، صورت گیرد .

پیامبر اسلام محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم می فرماید: (لا نکاح إلا بولی وشاهدی عدل، وما کان من نکاح علی غیر ذلک فهو باطل) یعنی: «ازدواج بدون حضور ولی و دو شاهد عادل درست نیست و هر نکاحی که بدون این صورت گیرد، باطل است.» (ترمذی).

هدف از حضور دو شاهد عادل در عقد نکاح:

طوری که که گفته شد، شاهدان باید عاقل و بالغ باشند و سخن طرفین عقد را بشنوند و بدانند که مقصود طرفین عقد از آن سخنان، عقد ازدواج است (اگر شاهدان کور باشند بایستی به یقین صدای طرفین عقد را از هم تشخیص بدهند و بشناسند). اگر گواهان نابالغ یا دیوانه یا کرا یا مست باشند، عقد نکاح صحیح نیست، چون وجود اینها از نظر شرع با عدم وجودشان، یکسان است.

اما در مورد عدل شاهدان:

امام ابوحنفیه(رح) می گویند: عدالت گواهان شرط صحت عقد ازدواج نیست و با حضور گواهان فاسق نیز عقد نکاح صحیح است. هرکس شایسته ولایت ازدواج باشد، شایستگی گواهی و شهادت بر ازدواج را نیز دارد. چون مقصود از حضورگواهان اعلان ازدواج است.

امام شافعی: با استناد به حدیث « لا نکاح إلا بولی وشاهدی عدل » حضورگواهان عادل را شرط می‌دانند. اگر عقد ازدواج با حضورگواهان مجهول الحال صورت‌گیرد دو رأی وجود دارد و مختار مذهب شافعی آنست که صحیح است.

چون ازدواج در روستاها و بیابان و میان عامه مردم صورت می‌گیرد که حقیقت عدالت آنان شناخته نیست و اعتبار عدالت ایجاد مشقت می‌کند، لذا به ظاهر حال اکتفا می‌شود و کافی است که حال گواهان مجهول باشد و فسق آنها ظاهر نباشد. زیرا عادل کسی است که در ملاء عام مرتکب کبائر نشود و دارای فسق آشکار نباشد.

هرگاه بعد از عقد معلوم شد، که گواه فاسق بوده است اشکالی ندارد چون شرط عدالت آنست که فسق او ظاهر و آشکار نباشد و هنگام عقد فسق او مستور و پوشیده بوده است پس عدالت تحقق یافته است. اما اگر کسی تارک نماز باشد، در اینصورت شاهد گرفتن وی اعتبار ندارد و صحیح نیست شهادتی که بی نماز اند نباید از آنان در امر شهادت دعوت به عمل آید.

شرط مسلمان بودن شاهدان:

اگر ازدواج بین مرد و زن مسلمان باشد و هر دو مسلمان باشند فقها بدون اختلاف مسلمان بودن گواهان را شرط می‌دانند. ولی اگر مرد مسلمان با زن غیر مسلمان ازدواج کند، در شاهدان گرفتن غیرمسلمان اختلاف دارند. احمد و شافعی و محمد بن الحسن گویند با حضورگواه غیرمسلمان عقد ازدواج صحیح نیست، چون ازدواج برای مسلمان است و گواهی غیرمسلمان برآن قبول نیست. امام ابوحنیفه و امام ابویوسف می‌گویند که اگر زن اهل کتاب باشد، شهادت دو نفر اهل کتاب جایز است.

شاهدان:

همانطوری که گفته شد: امام، قاضی یا عالم که مسئولیت انعقاد عقد نکاح را دارد در محفل عقد نکاح و به حضور حاضران از اعضای فامیل و دوستان فامیل های (داماد و عروس)، باید دونفر مردعاقل، بالغ و مسلمان و یا يك نفر مرد و دو زن را که از محارم عروس باشند، به نزد عروس می فرستند تا از عروس (خطیبه) بپرسند که کی را بحیث «وکیل مهر و نفس» خویش تعیین می نماید.

شاهدان بعد از اخذ هدایت از نزد قاضی، به نزد عروس رفته و از وی می پرسند که کی را به حیث وکیل مهر و نفس خویش در قسمت عقد نکاح با جوان به نام (..... نام شاه - ناکح.....) تعیین می کند؟

پښتو پوښتنه د ناوی نه : لطف او ایاست چي تاسی (د ناوی نوم او دپلار نوم) د محترم (د شاه نوم او دپلار نوم) سره د صحیح او شرعی نکاح په هکله خپل د مهر او نفس وکیل څوک ټاکلی دی او یا ټاکي؟

(عروس می تواند مانند داماد در مراسم ایجاب و قبول شخصاً حضور به هم برساند و خودش مراسم ایجاب و قبول را به جاء آورد، البته با معیت ولی دختر و دونفر شاهد.) معمولاً طوری مروج است که عروس به دفعه اول و دوم جواب شاهدان را نمی دهد و سکوت می کند. شاهدان باید برای بار دوم و سوم از عروس سؤال کنند، که کی را به حیث وکیل مهر و نفس خویش تعیین می نماید. ضرور است که نام وکیل مهر و نفس توسط دختر به صورت مشخص در برابر سؤال هر دو شاهدان تذکر داده شود.

عروس درحین تعیین وکیل مهر و نفس خویش باید چنین بگوید :

متن دری : من (..... نام عروس) بنت (.....) در قسمت تعیین مهر و عقد نکاح صحیح و شرعی خویش با محترم (..... نام شاه) ولد (.....) محترم (کاکا، ماما ، برادر کلان...) (..... نام وکیل.....) را به حیث وکیل مهر و نفس خویش در قسمت عقد نکاح و تعیین مهر با محترم (..... نام داماد.....) ولد (.....) تعیین می نمایم .

متن پښتو/پښتو متن: زه (.... دناوی نوم...)

(.....) (لور د محترم (.... د شاه نوم) د (.....) زوی سره د صحیح ، شرعی نکاح د عقداو د مهر د تعیین په برخه کي محترم خپل (کاکا، ماما، مشرورور...) محترم (... د وکیل نوم...) د شرعی وکیل به توگه انتخاب او ټاکم. نام وکیل «مهر و نفس توسط دختر به شاهدان گفته شده» و بعداً هر دو شاهد مکلف اند، نام وکیل مهر و نفس دختر را برای قاضی یا امام و حاضرین نیز به طور شرعی و قانونی اعلان بدارند.

حکم شرعی در مورد:

اجازه خواستن از زن قبل از ازدواج همانطوری که ازدواج بدون ولی جایز نیست، بر ولی نیز واجب است که از زنان تحت تکفل خود قبل از ازدواج اجازه بخواهد، و اگر زن راضی به ازدواج نباشد، ولی نمی تواند او را مجبور کند، پس اگر بدون رضایت او (ولی) او را به عقد نکاح کسی در آورد، می تواند آن را فسخ کند: در حدیثی از ابو هریره روایت است که پیامبر صلی اله علیه وسلم فرمود:

« لا تتکح الا حتی تستأمر، ولا تتکح البکر تسأذن، قالوا : یا رسول الله وکیف إذنھا ؟ قال : أن تسکت » (بیوه تا از او دستور نگرفته ازدواج داده نشود، و دوشیزه هم تا از او اجازه گرفته نشود، به ازدواج کسی داده نشود . گفتند: ای رسول خدا ، اجازه (رضایت "بکر" باکره چگونه است ؟) فرمود : این است که ساکت بماند).

(صحیح سنن ابن ماجه (۲۱۰۰)، (لاروا ء ۶۱۸)، صحیح مسلم امام مسلم (۸۶۹ ۵۹۴ - ۲).

همچنان در حدیثی دیگری که از خنساء بنت خدام انصاری روایت است : « أن أباهما زوجها وهي ثيب ، فكرهت ذلك ، فأنت رسول الله صلى الله عليه وسلم فردنكاها » (او بیوه بود و پدرش بدون رضایت او ، او را به عقد کسی در آورد ، نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم رفت و نکاحش را باطل کرد).

(صحیح سنن الترمذی (۴۱۸) ، صحیح مسلم (۲-۸۸۶-۵۹۱) ، سنن الترمذی (۲-۹-۵۰۵) .

و در حدیثی از ابن عباس (رض) روایت است : « أن جاریة بکراً أتت النبی (ص) فذکرت له أن أباهما زوجها وهي کارهة ، فخيرها النبی صلی الله علیه وسلم » .

(دختری (بکر- باکره) نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و به آنحضرت گفت که :

پدرش بدون رضایتش، او را به عقد کسی در آورده است پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم، او را " فسخ عقد" اختیار داد) .

(صحیح جامع الصغیر (۴۷۱۱) ، الارواء (۶۱۱) ، صحیح امام مسلم (۲-۸۵۵-۵۹۱) ، سنن الترمذی (۲-۹-۵۰۵) .

ادامه دارد